



همراه با اسناد بالادستی نسیم تحول و جهت‌نمایی

خبر

دکتر فرخ‌لقا رئیس‌دانا
متخصص تعلیم و تربیت

فلسفه تربیت یعنی چیستی، چرایی و چگونگی آن نیز به‌درستی شناسایی نخواهد شد. روشن است که بدون شناخت درست فلسفه تربیت، آموزش، یاددهی و یادگیری نیز به‌درستی صورت نخواهد گرفت. بنابراین، عقل‌ورزی، بهره‌گیری از قوه تعقل و اندیشه‌ورزی در امور، پایه و مایه هر نوع عمل مرتبط با یاددهی و یادگیری است.

یکی از کارهای مهم عقل کشف رابطه میان عمل و نتیجه عمل است و همین استفاده از این توانایی عقل‌ورزی است که انسان‌ها را به‌سوی انتخاب عمل‌های مطلوب و شایسته سوق می‌دهد.

لذا عقل و قوه تعقل آدمی در صدور احکام ارزشی برای کشف رابطه میان اعمال اختیارشده یا برگزیده‌شده توسط آدمی و نتایج مترتب بر آن، نقش اساسی را ایفا می‌کند. یعنی عقل آدمی است که «ملاک ارزش خوب و بد را مشخص می‌کند» (همان، ص ۸۴) و او را به سمت و سوی کار نیک و درست رهنمون می‌شود. نتیجه آنکه اگر آدمی در هر مقام و منسب از جمله معلمی، مدیریت و رهبری آموزشی باشد، از راه به‌کارگیری درست قوه عقلانی خویش می‌تواند به راهکارهای مفید، مؤثر و بهینه برای پیشبرد امور و وظایف بر عهده گرفته شده دست یابد و مسئولانه و متعهدانه نقش اثربخش خویش را ایفا کند. روشن است که کوتاهی در بهره‌گیری از توانمندی عقلی می‌تواند هر انسانی را در هر مقام و منسب، به کارهای ضدارزشی وادارد و چنین عملی، به‌طور مسلم، از هیچ معلم مسئول و آگاه و رهبر آموزشی دلسوز و متعهد برنمی‌آید. شناخت درست مسائل تربیت، منظور و مقصود اصلی و اساسی آن، آگاهی از دلیل و برهان و هدف‌های تربیت و کسب معرفت و علم و دانش و راهبردها، رویکردها و راه

به‌زبانی بسیار ساده می‌توان گفت خداوند قادر متعال توانایی «شناخت» را به انسان عطا فرموده و این توانایی مشخصه تمایز میان انسان و حیوان است. انسان در وجود خود منابع و ابزار شناخت متعددی دارد که مکمل هم‌اند و استفاده مناسب، منسجم و هماهنگ از این منابع یعنی حواس، عقل، شهود، وحی و الهام، انسان را به شناخت درست پدیده‌ها، امور، مسئله‌ها، راه‌حل‌ها و... رهنمون می‌شود. از میان این منابع و ابزارهای خدادادی، «عقل» و استفاده از آن به‌صورت تفکر، تعقل و خردورزی، از جایگاه والایی برخوردار است. درحالی‌که حواس و تخیل به امور جزئی می‌پردازند، عقل که نقش‌های متعددی چون تجزیه و تحلیل، استدلال و استنتاج و ترکیب مفاهیم را بازی می‌کند، کار اساسی‌اش درک مفاهیم کلی است که لازمه هر نوع شناخت است. دامنه و گستره دریافت و ادراک مفاهیم توسط عقل آدمی چنان وسیع است که حتی شناخت برخی امور نامحسوس را نیز - بنا بر مهیا بودن شرایط - شامل می‌شود. به همین دلیل است که «یکی از راه‌های باور کردن و یقین داشتن به غیب و مبدأ و معاد نیز همین راه بهره‌گیری از عقل است» (مبانی نظری سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۸۳).

«عقل‌ورزی» یا «خردورزی» توانایی خاص انسان است که چه در نظر و چه در عمل، در شناخت حقایق هستی به‌کار گرفته می‌شود. فلسفه که تبیینی استدلالی از چیستی، چرایی و چگونگی امور است، خود حاصل تلاشی عقلانی است. اگر عقلانیت به‌کار گرفته نشود و خردورزی صورت نگیرد، هیچ فلسفه ذهنی مبتنی بر تحلیل، قیاس، استدلال و استنتاج شکل نخواهد گرفت. همچنین است در حوزه کار آموزش و تربیت. بدون تلاش عقلی،

**نقش معلمان
در یاد دادن
و پرورش
توانمندی تفکر
دانش‌آموزان
اساسی است و
مهم‌ترین نقطه
قوت نظام تحولی
نیز همین است**

روش‌های یاددهی و یادگیری، همه و همه به کمک عقل، خردورزی و اندیشه‌ورزی یعنی عکس‌العمل و بازتاب مناسب در مقابل پدیده‌ها دست‌یافتنی هستند و این کاری سترگ است که از عهدهٔ معلمان علاقه‌مند، مسئول و متعهد برمی‌آید.

رهبران آموزشی ضمن بهره‌مندی و بهره‌گیری درست از قوهٔ تعقل و خردورزی خویش در جهت انجام بزرگ‌ترین رسالت معلمی، به پرورش و رشد توانایی عقلانی دانش‌آموزان تحت آموزش خود توجه دارند و رشد تفکر و تعقل دانش‌آموزان را سرلوحهٔ هدف‌های کاری خود قرار می‌دهند. آن‌ها می‌دانند که توجه به پرورش تفکر دانش‌آموز به اندازهٔ توجه به رشد جسمی، عاطفی، اجتماعی و... وی، مهم بلکه ارجح است، زیرا رشد تفکر پایه و مایهٔ رشد در همهٔ زمینه‌های دیگر است. دانش‌آموزی که یاد بگیرد برای انجام هر نوع کار، از جمله درس خواندن، فکر کند، دربارهٔ هر موضوع و مسئله کاوش و کنکاش فکری کند و نسبت به صحت و سقم انجام کار تصمیم درست بگیرد، پیوسته می‌تواند منطقی بیندیشد، برای قضاوت و ارزش‌گذاری مستندسازی کند، با ذکر برهان و استفاده از استدلال سخن بگوید، به پدیده‌ها و رویدادهای محیط پیرامونی خود نقادانه بنگرد، برای پاسخگویی به سؤالات غور و بررسی و تفکر کند، از نظر و پاسخ خود مستدل جانب‌داری کند و با صبر و حوصله با افکار مخالف روبه‌رو شود و با تحلیل، نظر مخالف را بپذیرد یا آن را رد کند.

دربارهٔ چیستی، چرایی و چگونگی وجود یا پیدایی آن‌ها بیندیشند، هر موضوع را مسئله‌ای حل‌شدنی بیندارند و طرز برخورد با آن را عاقلانه و بخردانه انتخاب کنند.

نقش معلمان در یاد دادن و پرورش توانمندی تفکر دانش‌آموزان اساسی است و مهم‌ترین نقطهٔ قوت نظام تحولی نیز همین است. در این نظام، «معلم» در قله قرار دارد و اوست که «همهٔ شرایط و امکانات را به‌منظور الگوپذیری و تأسی دانش‌آموز برای دستیابی به قله‌های انسانیت، علم، ادب و اخلاق فراهم می‌آورد» (برنامهٔ درسی ملی، ۱۳۹۱: ۳). در این سند، بر نقش معلم و مدرسه در پروراندن تفکر، تعقل، خلاقیت و نوآوری در ذهن دانش‌آموزان تأکید بسیار شده است. مسلم آنکه آنچه از ارزش‌ها در نظام تحولی موردنظر است، ارزش‌های مبتنی بر معیارهای اسلامی - ایرانی است و یکی از مهم‌ترین ارزش‌های مورد توجه، مجهز شدن به توانمندی «نقادی» با استفاده از ترازوی عقل مبتنی بر اندیشه‌ورزی بخردانه است. اندیشه‌ورزی بخردانه یعنی بررسی دقیق مبتنی بر پژوهش و متکی بر اسناد و شواهد معتبر و قابل اعتماد. نکتهٔ قابل توجه در اسناد تحول این است که هر دانش‌آموز باید یادبگیرد حسن اعمال خود و دیگران را با توجه به معیار عقل پرورش یافته ارزیابی کند. یعنی پیوسته با بهره‌گیری از قوهٔ تفکر خود و بررسی و واکاوی درست قضایا، هم ارزشمندی هر کار قابل انجام را بسنجد و هم درستی چگونگی انجام آن را.

یکی از کارهای مهم عقل کشف رابطهٔ میان عمل و نتیجهٔ عمل است و همین استفاده از این توانایی عقل‌ورزی است که انسان‌ها را به سوی انتخاب عمل‌های مطلوب و شایسته سوق می‌دهد

اهم کارهای بایسته و شایسته

- ⊕ دگرگونی در طرز فکر و طرز تلقی از «تربیت»، غایت و هدف‌های آموزش و پرورش، و نیز دگرگونی در بینش و نگرش خویش نسبت به دانش‌آموز به‌عنوان امانتی الهی و دارای کرامت انسانی؛
- ⊕ مجهز شدن به توانمندی‌های لازم برای پذیرش مسئولیت سنگین رهبری آموزشی و بهبودبخشی کیفیت فرایند یاددهی - یادگیری؛
- ⊕ تلقی از خود به‌عنوان الگوی مجسم یادگیری دانش‌آموزان؛
- ⊕ تلقی از مدرسه به‌عنوان مرکز احیای تفکر، تعقل و خردورزی؛
- ⊕ احیای نگاه فلسفی و تعقلی در خلال یاد دادن و یاد گرفتن؛
- ⊕ ایجاد فرصت‌های فکر کردن؛
- ⊕ ایجاد فضاهای بررسی، واکاوی و پژوهش؛
- ⊕ رصد کردن بخردانهٔ فرایند یاددهی - یادگیری و بهره‌گیری درست و اثربخش از بازخوردهای به‌دست آمده.

تفکر در اسناد تحول

فراهم کردن زمینه‌های بروز و رشد تفکر، رویکرد غالب در اسناد تحول نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی است، زیرا رشد تفکر، قوهٔ تجزیه و تحلیل، قیاس، استدلال و استنتاج را پرورش می‌دهد و فرد را به وادی فرایند حل مسئله می‌کشاند. کنجکاوی، رغبت و تلاش برای واکاوی، نشانه‌های انگیزه برای حل مسئله‌اند و توانمندی خلق شیوه‌های نو و ابتکاری برای حل مسئله، حاصل تجربه‌های مبتنی بر تفکر و قضاوت‌های ارزشی نسبت به درستی یا نادرستی کارهای انجام شده است.

تفکر یاددانی است و یادگرفتنی!

تفکر را می‌توان یاد داد. دانش‌آموزان با راهنمایی‌های درست معلمان به‌خوبی می‌توانند یاد بگیرند چگونه دربارهٔ همهٔ موضوعات محیطی خویش تفکر کنند و درستی یا نادرستی وقایع و پدیده‌ها را مطابق با معیارهای ارزشی آموخته شده بسنجند،

* منابع
۱. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۰.